

پرسشنامه الگوی ارتباطات خانواده ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰)

جهت گیری گفت و شنود:

نظری ندارم = ۲

تا حدودی مخالفم = ۱

کاملاً مخالفم = ۰

کاملاً موافقم = ۴

تا حدودی موافقم = ۳

۱. والدینم من را تشویق می کنند تا احساساتم را بیان و ابراز کنم.
۲. پدر و مادرم دوست دارند نظر من را بشنوند حتی وقتی که من با آنها موافق نیستم.
۳. اغلب وقتی خانواده درباره چیزی صحبت می کند پدر و مادرم نظر من را می پرسند.
۴. پدر و مادرم من را تشویق می کنند تا افکار و عقاید آنها را مورد بررسی قرار دهم.
۵. من واقعا از صحبت کردن با والدینم لذت می برم حتی وقتی با هم توافق نداریم.
۶. ما اغلب در خانواده خود درباره احساسات و عواطفمان صحبت می کنیم.
۷. معمولا آنچه را که دارم درباره اش فکر می کنم با پدر و مادرم درمیان می گذارم.
۸. اغلب من و پدر و مادرم درباره هرچیزی گفتگو های طولانی، آسوده و راحتی داریم.
۹. اغلب پدر و مادرم چیزی مثل این می گویند: تمام اعضای خانواده در تصمیم گیری های خانواده باید نظر خود را بگویند.
۱۰. من تقریبا می توانم هرچیزی را با پدر و مادرم در میان بگذارم.
۱۱. ما به عنوان یک خانواده اغلب درباره کارهای که در طول روز انجام داده ایم صحبت می کنیم.
۱۲. اغلب پدر و مادرم چیزی مثل این می گویند: تو همیشه باید به هر دو جنبه مثبت و منفی مطلب مورد بحث توجه کنی.
۱۳. ما در خانواده خود اغلب درباره نقشه ها و آرزوهایی که برای آینده داریم حرف می زنیم.
۱۴. پدر و مادرم تمایل دارند احساساتشان را به راحتی بیان کنند.
۱۵. ما در خانواده اغلب درباره موضوعاتی از قبیل سیاست و مذهب بحث و گفتگو می کنیم. هر چند بعضی از اعضای خانواده با یکدیگر موافق نباشند.

جهت گیری همنوایی:

کاملاً مخالفم = ۰ تا حدودی مخالفم = ۱ نظری ندارم = ۲

تا حدودی موافقم = ۳ کاملاً موافقم = ۴

۱۶. اغلب پدرم و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: عقیده و نظر من درست است تو نباید در مورد آن چون و چرا کنی.
۱۷. اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: بچه نباید با بزرگتر ها بحث کند.
۱۸. پدر و مادرم احساس می کنند باید رئیس باشند.
۱۹. وقتی پدر و مادرم عقیده من را نمی پسندند نمی خواهند درباره آن چیزی بدانند.
۲۰. در خانه ما همیشه پدر و مادرم حرف آخر را می زنند.
۲۱. بعضی وقتها وقتی عقیده من با عقاید پدر و مادر متفاوت است آنها از دست من عصبانی می شوند.
۲۲. وقتی در خانه هستم از من انتظار می رود دستورات پدر و مادرم را اطاعت کنم.
۲۳. اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند : وقتی بزرگ شدی بهتر می فهمی.
۲۴. اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند:درباره بعضی چیزها نباید حرف زد.
۲۵. اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند:در بحث ها به جای این که دیگران را کفری و عصبانی کنی باید تسلیم شوی (کوتاه بیای).
۲۶. وقتی هر چیز واقعا مهمی در میان است پدر و مادرم از من انتظار دارند بدون هیچ چون و چرایی از آنها اطاعت کنم.